

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

## نیم نگاهی به مصاحبه "اسدالله سروری" یکی از جلادان "حزب دموکراتیک خلق افغانستان"

در هفته گذشته با استفاده از فرصت به دست آمده سری زدم به سایت وزین "آزمون ملی". ضمن مطالعه مطالب و توجه به بخش صوتی و تصویری آن سایت - که می توان گفت در نوع خودش کم نظیر است- در آنجا موجودیت مصاحبه با "اسدالله سروری" یک تن از جلادان به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حدخا" که بر اساس ادعای "حفیظ الله امین" یکی دیگر از خون آشامان آن حزب، مسؤلیت قتل بیش از "۱۲۰۰۰" افغان بی پناه را بر گردن دارد؛ با آقای "محمد صدیق مصدق" که به گفته خودش در بهار ۲۰۰۸ صورت گرفته و تاریخ نشر آن دوم سنبله ۱۳۸۷ مطابق اول سپتمبر ۲۰۰۸ قید گردیده است، بیشتر از سایر مطالب مورد توجه این قلم قرار گرفت. صرف نظر از آنکه در هر سطر و هر کلمه آن مصاحبه اهانتیست آشکار به مردم افغانستان، چند جمله آتی از دید این قلم سندیست انکار نا پذیر در محکومیت تمام باند جنایتکار و وطن فروش "حدخا":

"س: پس مسئول اینهمه کسانیکه در زمان تصدی شما دستگیر، زندانی و به اشکال مختلف کشته شدند و هزاران تنی که تا امروز لادرک اند، کیست؟

ج: من چه میدانم؟ اداره آگسا حتی یک میل سلاح در اختیار نداشت. آگسا اجازه دستگیری، توقیف و کشتار مردم را نداشت و هرگز این کار را نکرده است.

س: پس کدام افراد و دستگاه های دولت این کار را می کردند؟

ج: من چه میدانم؟ وظیفه آگسا کشف بود، نه دستگیری. بیشتر منشی های دفاتر حزبی، وزارت داخله و خارنوالی و وظیفه تعقیب و دستگیری مجرمین را داشتند."

همانطوری که نوشتیم با آنکه تمام آن مصاحبه اهانت آشکار به مردم ما به خصوص قربانیان آن رژیم ضد انسانی می باشد، پرسش و پاسخ بالا از دید تاریخی یک حقیقت انکار ناپذیری را افشاء می نماید که بار ها این قلم بر آن تاکید گذاشته مگر دایی های مهربانتر از مادر "حدخا" و هواداران مخفی آنها، سر و صدا راه انداخته من و امثال من را به انتقام جویی و حتا بهتان به افراد و شخصیت های حزبی متهم نموده اند. دوستانیکه با نوشته های این قلم آشنا هستند به خاطر دارند که من در رابطه با اعضای حزب و مسؤلیت آنها در قبال وقایع گذشته، همیشه نکات آتی را مطرح نموده ام:

۱ - تمام مقامات تصمیم گیرنده حزبی و دولتی از دفتر سیاسی تا کمیته های ولایتی و از شورای انقلاب تا مجالس ولایتی به پاسخ گویی کشانیده شوند.

۲ - نهاد های امنیتی اعم از استخباراتی (آگسا، کام و خاد)، اردو و وزارت داخله به شمول کمیته های دفاع از انقلاب، ملیشه ها و سایر نیروهای مسلح رژیم مزدوران روس باید پاسخگوی جنایات حزب و دولت حزبی شان باشند.

۳ - سایر افراد حزبی در صورتیکه مرتکب جنایتی نشده و یا راپور آنها به قتل کسی منجر نشده باشد و شاکی خصوصی علیه آنها وجود نداشته باشد و حاضر باشند در عمل ثابت نمایند که با گذشته حزبی خویش بریده و باافشاگری بیدریغ جنایات آن حزب، هر نوع شکی را در عدم صداقت خویش بزدايند، باید مجال آن را داشته باشند تا مجدداً به طرف مردم برگشته، اشتباهات گذشته را از طریق خدمت صادقانه به میهن و هم میهن جبران نمایند.

دلایلی را که این قلم به خاطر چنین پیشنهادی ارائه می دارم، برخاسته از شناخت عینی و تجربه فردی و جمعی عده زیادی از هموطنان خردمند و زجر کشیده ما می باشد. تجارب جمعی از حیات ننگین "حدخا" نشان داده است که در آغاز

تصرف قدرت و تا قبل از آنکه "خاد" به مثابه یکی از نهاد های استخباراتی مطرح در سطح منطقه شکل گیرد، افراد حزبی در مجموع و بدن استثناء از طریق گزارش دهی تشکیلاتی وظیفه استخباراتی را انجام داده در نتیجه دستان همه آنها به درجه های متفاوت در خون خلق ما آلوده می باشند. **ننگ و نفرین بر آنائیکه به خاطر گرم نگاه داشتن دکان های خبری خویش «سایت های انترنیتی» زمینه اعاده حیثیت جنایتکاران "حدخا" را فراهم می سازند -**

تا دیروز دایه های مهربانتر از مادر "حدخا" در کنار عوامل مخفی و علنی آن حزب و در برخی مواقع دوشادوش آنها به دفاع از افراد حزبی پرداخته ، مخالفین را به زیاده روی متهم می نمودند. مگر بر اساس "سروری" جلاد که برای مدتی بیشتر از یک سال به صورت مستقیم بر یک بخش از ماشین کشتار آن حزب جنایتکار و خاین حکم می راند، و اعتراف به اینکه افراد حزبی نیز دست شان به خون مردم بی گناه آغشته بوده گذشته از آنها بیروکراسی فاسد باقیمانده از خاندان غدار "نادر" به خصوص آنهاستیکه در نهاد های امنیتی چون استخبارات ، پولیس و خرنوالی نیز با این میهن فروشان، دست در دست هم به کشتار مردم ما اشتغال داشتند. - برخی از دوستان نمی توانستند درک نمایند که کدام عاملی اسباب وصلت مدافعین بیروکراسی و بقایای جنایتکاران و خاینین "حدخا" بی می باشد. اعتراف صریح "سروری" این سؤال را نیز پاسخ داده وقتی از همکاری خرنوالی ها در کشتار مردم با "حدخا" بحث می نماید در واقع راز پنهان "خیانت به مردم" بیروکراتهای جنایتکار را نیز از پرده بیرون می اندازد. بیروکرات هائیکه هدف زندگی نکبت بار شان ارتقای مقام به هر قیمتی بوده است.

با اعتراف "سروری" فکر می کنم زمان آن رسیده باشد که "دایه های مهربانتر از مادر" مزدوران روس به عمق قضایا پی برده بیش از این فرد را از سیستم جدا نمایند. در غیر آن جای اعتراض نخواهد بود هرگاه چنین "مهربانی" هایی از نزدیک مورد مذاقه قرار گرفته، با مشاهده وجوه مشترک به احکام دیگری در مورد آنها دست یافت. چنین اشخاصی باید بدانند که جنایتکاران خلقی- پرچمی در عقب دیوار محافظتی خود را پنهان نموده اند که از چنین " مهربانی" هایی خشت و گل آن به وجود آمده است، آنها باید بدانند که تاریخ تمام فرزندان راستین این میهن را وظیفه داده است تا آن جنایتکاران را افشاء و فرزندان آینده کشور را در قبال فعالیت های احتمالی آینده آنها حفاظت نمایند. اینها باید بدانند که وقتی پای انجام وظیفه در میان باشد هر فرد وطن پرست مکلفیت دارد تا از موانع عبور و وظیفه خویش را انجام دهد. جای بسا تأسف خواهد بود هرگاه دیوار های حفاظتی که خود دستی در چنان جنایاتی نداشته اند، در این میان ترک برداشته و آبروی شان به باد رود. میرهن است که در چنان حالتی مسؤولیت متوجه خود آنهاست که لجاجت به خرج داده اند.